

روش تبدیل گزاره‌های فقهی به مدل‌های کاربردی و اجتماعی

عبدالحسین خسروپناه

به گزارش خبرنگار وسائل، نشست تخصصی «روش تبدیل گزاره‌های فقهی به مدل‌های کاربردی و اجتماعی» با حضور اساتید و فضلاء حوزه، روز پنج‌شنبه اول اسفندماه ۹۸ از ساعت ۱۵ تا ۱۸ در ساختمان انجمن‌های علمی حوزه علمیه قم برگزار شد.

در این میزگرد علمی حجج‌الاسلام عبدالحسین خسروپناه معاون علوم انسانی و هنر دانشگاه آزاد اسلامی، مجتبی‌الهی خراسانی رئیس میز توسعه و توانمندسازی علوم اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی و علیرضا پیروزمند قائم مقام و عضو هیئت علمی فرهنگستان علوم و معارف اسلامی به ارائه نظر پرداختند.

در ابتدای نشست مجری میزگرد به ارائه مطالب خود پرداخت و گفت: نقدی که به دانش فقه مطرح شده است این است که گزاره‌های فقهی هیچگاه تبدیل به مدل اجتماعی نشده است و همیشه در حد یک فتوا و استفتاء و گزاره فقهی باقی مانده‌اند. بعضی معتقدند که اساساً فقه عرصه مدل‌سازی را متکفل نبوده است و نهایت کار فقه، بیان بایدها و نبایدهای شریعت است. فقه به مثابه داور مسابقه است اما اینکه بتواند به مانند مربی، روش حل مشکل را بیاموزد اینگونه نیست.

برخی دیگر معتقدند که گزاره‌های فقهی امکان و توانایی تبدیل به مدل‌های کاربردی را ندارند بحث ما با این دیدگاه از موضوع خارج است. موضوع بحث ما با کسانی است که به یک معنا به فقه حداکثری قائل‌اند که فقه می‌تواند کاربست مناسب را برای مدل اجتماعی ارائه دهد. حال چطور فقه می‌تواند مدل‌های کاربردی را به سرانجام برساند؟ شایسته است اساتید حاضر مبانی را ذکر کنند و سپس به اصل مدعای خود بپردازند.

بعد از گزارش دبیر جلسه حجت‌الاسلام دکتر خسروپناه به ارائه مطالب خود پرداخت و اظهار داشت: شش مطلب آماده کرده‌ام که در این فرصت اولیه به بعضی اشاره می‌کنم.

تبیین عنوان میزگرد / معنای روش

مطلب اول من تبیین خود عنوان است که منظور از روش تبدیل گزاره‌های فقهی به مدل‌های کاربردی اجتماعی چیست؟ منظور از روش در این عنوان قواعد اصولی یا رجالی یا قواعد فقهی نیست. بلکه روش در اینجا به معنای چگونگی کاربست قواعد و اصول برای حل مسئله است، در اینجا بنا نیست به جای روش به قواعد فقهی و یا اصولی یا قواعد فقهی بپردازیم.

معنای گزاره

همچنین منظور از گزاره، گزاره‌های مستنبط از منابع معتبر فقهی است. که این گزاره‌های مستنبط توسط فقها با همان روش اجتهادی متعارف استنباط می‌شود.

مدل‌های کاربرد و اجتماعی تعبیر دقیقی نیست

مقصود از مدل‌های کاربرد و اجتماعی که به نظر بنده یک تعبیر دقیقی نیست. مدل یک تعریف در فلسفه علم دارد. معمولاً وقتی طرحی را طراحی می‌کنند. بعد از طرح آن می‌گویند این مدل آن طرح است. در بحث‌های متناظر با گزاره‌های فقهی ما سه دسته قوانین داریم: قوانین حقوقی، راهبردی، ساختاری. و مناسب بود می‌گفتیم روش تبدیل گزاره‌های فقهی به قوانین حقوقی، راهبردی، ساختاری.

دلیل دقیق نبودن این تعبیر این است که آن چیزی که در واقع ناظر به کاربرد جامعه است یک قوانین حقوقی است که آن هم یا به سه بخش سیاست‌ها و راهبردها و ساختارها تقسیم می‌شود و مقصود از ساختارها در اینجا ساختارهای عینی است. مثل ساختار تعلیم و تربیت و ساختار مالی که از دل این ساختارها، سازمان‌ها بیرون می‌آید مثلاً از ساختار تعلیم و تربیت، سازمان آموزش و پرورش و از ساختار مالی، سازمان بانک مرکزی به وجود می‌آید.

شان ولایت و فقهت فقیه

فقیه دو شان دارد. شان فقهت، و دیگری شان ولایت. شان فقهت شان کشف احکام شرعی است. و دستاورد آن حکم تکلیفی و وضعی است. شان ولایت، شان جعل است که دستاوردش حکم ولایی می‌شود.

در مقبوله عمر بن حنظله آمده است «عن عمر بن حنظله: قال سألت أبا عبد الله (ع) عن رجلين من أصحابنا بينهما منازعة في دين او ميراث فتحاكما إلى السلطان وإلى القضاء أيحل ذلك؟ قال: من تحاكم إليهم، في حق أو باطل، فإنما تحاكم إلى الطاغوت و ما يحكم له، فإنما يأخذهُ سحتاً و إن كان حقاً ثابتاً له؛ لأنه أخذهُ

بِحُكْمِ الطَّاعُوتِ وَ مَا أَمَرَ اللَّهُ أَنْ يُكْفَرَ بِهِ. قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاعُوتِ وَ قَدْ أَمَرُوا أَنْ يُكْفَرُوا بِهِ.

قلت: فكيف يصنعان؟ قال: يَنْظُرَانِ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ مِمَّنْ قَدْ رَوَى حَدِيثَنَا وَ نَظَرَ فِي حَلَالِنَا وَ حَرَامِنَا وَ عَرَفَ أَحْكَامَنَا... فَلْيَرِضُوا بِهِ حَكْمًا. فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا. فإذا حكم بحكمنا فلم يقبله منه فانما استخف بحكم الله و علينا رد و الراد علينا الراد على الله و هو على حد الشرك بالله».

عمر بن حنظله می گوید از امام صادق(ع) درباره دو نفر از دوستان مان (یعنی شیعه) که نزاعی بین شان بود در مورد قرض یا میراث، و به قضات برای رسیدگی مراجعه کرده بودند، سؤال کردم که آیا این رواست؟ فرمود: هر که در مورد دعاوی حق یا دعاوی ناحق به ایشان مراجعه کند، در حقیقت به طاغوت (یعنی قدرت حاکمه ناروا) مراجعه کرده باشد؛ و هر چه را که به حکم آنها بگیرد، در حقیقت به طور حرام می گیرد؛ گرچه آن را که دریافت می کند حق ثابت او باشد؛ زیرا که آن را به حکم و با رأی طاغوت و آن قدرتی گرفته که خدا دستور داده به آن کافر شود.

خدای تعالی می فرماید: یُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاعُوتِ وَ قَدْ أَمَرُوا أَنْ يُكْفَرُوا بِهِ. پرسیدم: چه باید بکنند؟ فرمود: باید نگاه کنند ببینند از شما چه کسی است که حدیث ما را روایت کرده، و در حلال و حرام ما مطالعه نموده، و صاحب نظر شده و احکام و قوانین ما را شناخته است... بایستی او را به عنوان قاضی و داور بپذیرند، زیرا که من او را حاکم بر شما قرار داده‌ام.

پس آنگاه که به حکم ما حکم کرد و از وی نپذیرفتند بی گمان حکم خدا را سبک شمرده و به ما پشت کرده‌اند و کسی به ما پشت کند به خداوند پشت کرده و این در حد شرک به خداوند است. اگر این دوشان را قائل شویم طبیعتاً بحث روش ولایت و روش فقاقت را باید جدا بحث کرد. یعنی یکبار ما یک روش تبدیل مدل های کاربردی و اجتماعی در ساحت فقاقت می خواهیم بررسی کنیم و یکبار می خواهیم در ساحت ولایت و جعل بررسی کنیم.

و تَوَقَّعَ شَرِيفٌ « و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها الى رواة حديثنا فانهم حجتى عليكم و انا حجة الله عليهم « و ابى خديجه محمد بن حسن باسناده عن محمد بن علي بن محبوب، عن احمد بن محمد، عن حسين بن سعيد، عن ابى الجهم، عن ابى خديجه، قال بعثنى أبو عبدالله(ع) إلى أحد من أصحابنا فقال: قُلْ لَهُمْ: إِيَّاكُمْ، إِذَا وَقَعَتْ بَيْنَكُمْ الْخُصُومَةُ أَوْ تَدَارَى فِي شَيْءٍ مِنَ الْأَخْذِ وَالْعَطَاءِ أَنْ تَحَاكَمُوا إِلَى أَحَدٍ مِنْ هَؤُلَاءِ الْفُسَّاقِ. اجْعَلُوا بَيْنَكُمْ رَجُلًا قَدْ عَرَفَ حَلَالَنَا وَ حَرَامَنَا؛ فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ قَاضِيًا. وَ إِيَّاكُمْ أَنْ يُخَاصِمَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا إِلَى السُّلْطَانِ الْجَائِرِ.

و روایت ابو خدیجه (یکی از اصحاب مورد اعتماد امام صادق(ع)) می گوید که حضرت صادق(ع) به من مأموریت دادند که به دوستان مان (شیعه) از طرف ایشان چنین پیغام بدهم: «مبادا وقتی بین شما خصومت و نزاعی

اتفاق می افتد، یا در مورد دریافت و پرداخت اختلافی پیش می آید، برای محاکمه و رسیدگی به یکی از این جماعت زشتکار مراجعه کنید.

مردی را که حلال و حرام ما را می شناسد بین خودتان حاکم و داور سازید؛ زیرا من او را بر شما قاضی قرار داده ام. و مبادا که بعضی از شما علیه بعضی دیگران به قدرت حاکمه جائر شکایت ببرد». قدر متیقن از این سه روایت این شأن بدست می آید. اگر این دو شأن را برای فقیه قائل شدیم طبیعتاً شأن روش فقاہت و ولایت را باید جداگانه بحث کنیم.

ج. مطلب سوم: پیش فرض بنده در این بحث این است که ما یک فقه نظام ولایی داریم که ذیلش فقه نظامات دیگر مانند فقه فرهنگ، فقه تربیت و ... قرار دارد. پس هم فقه الفرد و فقه الاجتماع در ذیل آن قرار دارد. پس این فقه باید با رویکرد ولایی و فقاہی به این نظامات فردی و اجتماعی بپردازد.

این فقه ۵ لایه دارد:

نظام حکمی

نظام به معنای مکتب که بیان اصول کلان است.

احکام رفتاری

احکام راهبردی

احکام ساختاری

د. ذکر ۵ روش و اینکه چگونه این ۵ روش گزاره‌های فقهی را به مدل کاربردی تبدیل می‌کنند.

مفهوم شناسی موضوع

در بخش دیگر این نشست حجت الاسلام دکتر پیرومند به بیان دیدگاه خود پرداخت و بیان داشت: روش تبدیل گزاره‌های فقهی به مدل‌های کاربردی، تصرف کمی در آن کرده‌ام و آن تبدیل گزاره‌های اسلامی به مدل‌های راهبردی است.

اینکه گفتیم گزاره‌های اسلامی به خاطر این است که: نمی‌خواهیم خود را محدود به گزاره‌های تجویزی فقهی کنیم. کاربردی را به راهبردی تبدیل کردم تا اینکه کلان‌تر شود و از جزئیت فاصله بگیرد. و در دسترس باشد. تلقی از مدل یعنی آن مؤلفه‌ها و متغیرهایی که امکان شناسایی و کنترل آنچه را که به مدل می‌کنیم فراهم می‌کند.

تلقی بنده از این موضوع این است که بحث پسا فقهی یا پسا استنباطی است. یعنی فرض بر این است که به یک گزاره‌های دینی رسیدیم و برای بعد از آن داریم صحبت می‌کنیم. بنابراین بحثی که تقدیم خواهد شد، ابداً بحث رسیدن به گزاره‌های فقهی نخواهد بود.

این پیش فرض را هم عرض کنم که در صورتی ما می‌توانیم از گزاره‌ها به مدل برسیم که نگاهمان به گزاره‌های دینی هم نظام مند باشد و اینها را مجزا از هم نبینیم. که خود این موجب تکامل آن راه پیشا فقهی است که مورد بحث نیست.

مفهوم شناسی موضوع

سپس حجت الاسلام الهی خراسانی گفت: بنده هم تصرف کوچکی در عنوان میزگرد انجام می‌دهم و عنوان را از روش تبدیل گزاره‌های فقهی به مدل‌های کاربردی و اجتماعی به روش تبدیل گزاره‌های فقهی به مدل کاربردهای اجتماعی تغییر می‌دهم.

اولاً وقتی درباره گزاره‌های فقهی صحبت می‌کنیم باید توجه کرد که این گزاره‌ها مراتب مختلفی دارند. مانند اینکه بعضی گزاره‌ها به صورت هدف و غرض احکام است. بعضی دیگر به قواعد و ضوابط خاص که در احکام جاری است اشاره می‌کند. مانند نفی ضرر لایه سوم گزاره‌هایی که به صورت قواعد کلیه به عنوان حکم شرعی صادر می‌شود. لایه دیگر احکام ولایی است که هر چند جزو لایه‌ها نیست ولی جزو تعریف احکام قرار می‌گیرد. کاربرد اجتماعی اعم از مدل است. کاربرد اجتماعی، قیدی برای اجتماعی است یعنی این گزاره تبدیل شود به یک امر اجتماعی است اما اگر این امر اجتماعی، یک سیستم نظام یافته باشد به طوری که به منظومه‌ای از گزاره‌ها ارجاع دهد، مدل خواهد بود.

انواع مدل‌های اجتماعی

از نظر بنده دانشگاه، مدل است همچنان که مناسک نیز مدل است یعنی مثلاً نماز جمعه یا حج یک نظام ارجاع دارد که رفتارهای اجتماعی را به لایه‌های گوناگون فقهی ارجاع می‌دهد. پس از نظر بنده عنوان این جلسه این است که گزاره‌های لایه‌های فقهی متفاوت را به یک سیستم اجتماعی تبدیل کنیم. البته توجه شود، مدل‌ها نیز انواع خرد و کلان دارد، که مدل‌های خرد در دل مدل‌های کلان می‌باشد.

حجت الاسلام دکتر خسروپناه در بخش دیگر سخنان خود اظهار داشت: ذکر دو نکته دیگر در اینجا لازم است؛ یکی اینکه منظور از روش در اینجا، روش تقنین است یعنی چطور این حکم فقهی به دایره حکومت راه پیدا کند، نه روش گفتمان سازی. یا حتی روش نهاد سازی نیز نیست.

نکته دیگر اینکه گاهی مراد ما از گزاره فقهی، گزاره فقه موجود است که معمولاً روش تهذیب و عدم تنافی را پیشنهاد می دهند مثل قاعده لزوم حفظ مصلحت یا قاعده لاضرر و ... این یک روش کوتاه مدت است. در علوم انسانی موجود نیز اینگونه عمل کرده اند ولی بحث من این نیست.

من می گویم اگر ما تصویر صحیحی از وضع موجود به فقه بدهیم، خود فقه مدلهای اجتماعی را خواهد داد. با توجه به این نکات، من به ۵ روش اشاره می کنم و سپس طریقه پیاده شدن آن را در احکام فقهی و ولایی مطرح خواهم کرد.

روش ها

روش اجتهاد متعارف: کشف قواعد فقهی و احکام فقهی از طریق قواعد رجالی و اصولی و کاربرستش بر امور جاری است.

روش اجتهاد استنتاجی: پرسش های نوین را کشف کنیم و بر متون عرضه کنیم و دلالت های التزامی نوین و جدیدی را از متون بیابیم. شبیه کار شهید صدر در تفسیر موضوعی.

روش اجتهاد شبکه ای: کشف پیوند نظام وار مفاهیم قرآنی و روایی نسبت به موضوعات مختلف. مثلاً واژه تقوا را می گیرند و تفسیر موضوعی می نویسند. در این روش خود متن قرآنی و روایی ارتباط شبکه ای مفاهیم را به یکدیگر می دهد.

روش اجتهاد پایشی: معمولاً فقها خیلی با موضوع کار ندارند مگر موضوعات شرعی مانند صلاه و صوم. اما موضوعات کاربردی را می گوید وقتی تحقق پیدا کرد، حلال و حرامش را می گوئیم یا موضوعات عرفی دیگر. مثلاً حکم طلاق را می گوید ولی اینکه عوامل تحقق طلاق چیست را دیگر بررسی نمی کند و فقها معمولاً دیگر حرفی ندارند.

ولی من معتقدم اجتماعی شدن فقه، بایستی یک اجتهاد میدانی و پایشی انجام دهد و شناخت از حقایق خارجی پیدا کند و الا نمی شود به نظام برسیم؛ از طریق عرضه پرسش های برگرفته از دستاوردهایی که از آن سه روش گذشته به دست آمده است به جامعه.

این پرسش هایی که به دست فقیه می رسد از چه منبع معرفتی به شما رسیده است. یکبار پرسش های در مورد خانواده از یک تفکر همجنس گرا بدست شما می رسد. ولی اگر نظام خانواده، از اسلام حاصل شده باشد این

نظام خانواده، یک توضیحی غیر از نظام خانواده^{۱۰} غربی خواهد داشت. در این صورت سئوالاتی ایجاد می‌کند که متناسب با این دیدگاه است.

روش اجتهاد ساختاری: اجتهادی که به ساخت ساختارها می‌پردازد. چگونگی کاربرست اصول، احکام، مقاصد الشریعۀ، مقاصد الشریعۀ در جعل حکم و در ساخت ساختارها نقش دارند. در این صورت به یک عقلانیت اسلامی می‌رسیم و به ما کمک می‌کند ساختار اسلامی را ایجاد کنیم.

فرآیند کلان

حجت الاسلام دکتر پیروزمند در بخش دیگر به اسلایدی از مطالب خود ارائه داد و گفت: باید از طریق استنباطات شرعی به نظام مفاهیم اسلامی دست یافت و در نتیجه آن نظام توازن مفهومی شکل می‌گیرد.

مواد: کلمات وحی

روش: منطق فهم دین

نظام اوصاف عینی: نتیجه: نظام توازن وصفی

نظام اوصافی که اولاً عینی است ثانیاً حاصل به کارگیری عقل و تجربه است، این نظام اوصاف واسطه^{۱۱} بین مفاهیمی که مستنبط است با موضوعاتی است که تحقق بخش اوصاف است یعنی مبدل است.

مواد: اوصاف عینی

روش: منطق تکاملی

نظام موضوعات عینی: نتیجه: موضوع

مواد: موضوعات عینی

روش: روش سیستمی: به مجموع نظام اوصاف عینی و نظام موضوعات عینی، مدل‌های راهبردی گوییم.

چیستی مدل (الگوی راهبردی)

موضع‌گیری در برابر جهان خارج با نفی مطلق شناخت و آگاهی امکان‌پذیر نیست. شناخت و آگاهی از هر پدیده خارجی به‌تمامه برای ذهن محدود بشری امکان‌پذیر نیست. هر شی‌بی‌شمار روابط قابل‌تصویر بوده و در نتیجه توصیف آن وضعیت‌های متفاوت به خود می‌گیرد. مدل و الگو برای حل این مشکل با ساده‌سازی واقعیت پیچیده امکان‌پیش‌بینی، هدایت و کنترل را فراهم می‌کند.

سؤال اساسی

کدام مفاهیم برای پیش بینی و کنترل و هدایت لازم است و چه منطقی توانایی این را دارد؟
تفاوت وصف و موضوع: حضور در گذشته و حال و آینده، حضور در سایر موضوعات همان، توصیف ثبات هویت
پدیده حضور بالاشاعه در پدیده، وابستگی مفاهیم به هم، قدرت تفسیر جهت گیری الهی تا الحادی
بیان وصفی: شامل سیاست، فرهنگ، اقتصاد است.
بیان موضوعی: شامل مسجد، مدرسه، بازار است.

نمونه مدل موضوعی شهرسازی

مقایسه روش‌ها در مدل سازی

منطق صوری: مفاهیم کلی و مصداق را در بر می گیرد
توضیحات: طبقه بندی و نامگذاری، ایجاد قابلیت صدق احکام کلی بر مصادیق متنوع از زمان و مکان
منطق مجموعه ای (نگرش سیستمی): کل و جزء
توضیحات: مشاهده کل و ربط منتهجه سیستم
منطق تکاملی: کل و وصف (مدل وصفی)
توضیحات: توجه به فرایند تغییر و تکامل سیستم، قاعده مند سازی جریان ارزش ها و مطلوبیت ها
این مدل وصفی بر اساس منطق تکاملی چگونه ساخته می شود؟

چگونگی ساخت مدل وصفی با منطق تکاملی

وصف جهتی: اوصاف مربوط به سیر تحول، علل و شرایط بیرونی حاکم بر پدیده (منبع قدرت حرکت و توسعه)
وصف ساختاری: اوصاف مربوط به ساختار و ابعاد درونی پدیده (متصرف فیه حرکت)

وصف اثری: اوصاف مربوط به کارآیی و پیامدها (ثمره حرکت)

ملاحظات لازم در ساخت مدل راهبردی

در عینیت ما با نظام (سیستم) مواجهیم، مفهوم بسیط نمی تواند از کثرت نظام حکایت کند.

نظام، تغییر و تکامل دارد. مفهوم ثابت نمی تواند حکایت گر تغییرات عینیت متغیر باشد.

هدف ما از توصیف (علم به) سیستم، تصرف در آن در جهت مطلوبیت (کمال) است. مفاهیم توصیف گر، باید

ظرفیت حکایت از جهت تغییرات را داشته باشد.

نمونه مدل ساختار شهرسازی

حجت الاسلام الهی خراسانی در بخش پایانی سخنان خود گفت: روش دست کم در ۷ معنایی به کار می رود،

می تواند هم به معنای کاربرست نظریه ها. مسیرهای مشخص با توجه معارف موجود

در یک نگاه دیگر، روش مسیر گام به گام همان روشی باشد که در معنای اول ذکر شد.

مثلاً روش تولید علم در حوزه، روش اجتهاد است.

معنای دوم یعنی ذکر گام‌هایی را ذکر کنیم که روش اجتهاد طی می کند.

سؤال اساسی این است که نظامات را کشف می کنیم یا می سازیم و طراحی می کنیم؟

به زعم بنده، نظامات ساختنی است نه اینکه در جایی موجود باشند و کشف شان کنیم. پس بیشتر به

مهارت‌های تدوینی بر می گردد و زیاد به منابع معرفتی ربطی ندارد.

عرض من این است که یک معنای سومی از روش اراده کنیم به این معنا یعنی اتخاذ روش های کم خطا. برای

این منظور چند کار را لازم داریم و به این عوامل نیاز داریم:

تعیین شاخص های مورد انتظار از مدل مطلوب در هر حوزه. مثلاً نظام سلامت، اقتصاد و ...

تحلیل فرآیندهای عینی حاکم بر امور اجتماعی. دانش اسلامی در این حوزه نداریم

این دو مرحله کاملاً اکتشافی است.

تحلیل و ارزیابی مدل‌های موجود (تحلیل عمیق از تجارب موجود)

یک چنین سه عاملی، نیازمند مشارکت سایر علوم با علوم اسلامی است. یعنی علم فقه به تنهایی نمی‌تواند علم خود را کاربردی کند. مثلاً ممکن است معارف فقهی را به اقتصاددان تحویل دهیم و او یک نهاد اقتصادی تحویل ما دهد.

گشودن علوم اسلامی از فضای ذهن به فضای علم. موضوع پیامدسنجی باید در سیستم فقهت وارد شود. الان فقط دو عنوان حرج و ضرر در فقه بررسی می‌شود. شاید این عناوین را بشود به ۷۰ تا ۸۰ عنوان رساند.

کاربست روش‌های ۵ گانه در دو حوزه ولایی و فقهتی چیست؟

در پایان حجت الاسلام خسروپناه به سئوالات مخاطبین جواب داد که در ذیل تقدیم می‌گردد: خود فقه مطلوب، مدل‌های اجتماعی را دارد و نیاز نیست که آموزه‌های شرعی راهبرد و مدل‌های اجتماعی را تهذیب کرد.

در ساحت فقهت: در کشف نظام به معنای مکتب یعنی اصول کلان.

از طریق اجتهاد استنطاقی، استنباطی، شبکه‌ای.

در ذیل هر یک از این روش‌ها، تکنیک‌هایی وجود دارد:

کشف احکام رفتاری:

استنباطی، استنطاقی، شبکه‌ای اما بعد از کشف موضوع احکام رفتاری از طریق روش کشف پایشی.

کشف احکام راهبردی:

راهبرد: باید و نبایدهایی که جهت‌ها را نشان می‌دهند.

از طریق اجتهاد استنطاقی بعد از کشف موضوع احکام راهبردی از طریق کشف پایشی.

کشف احکام ساختاری: اینجا به ساخت نظام به معنای آبجکتیو و عینی‌اش می‌رسیم. در اینجا نظام باید ساخته شود. این‌ها از سنخ تکنولوژی هستند لیکن بر پایه یک مدل عقلانیت. آن مدل عقلانیت را از طریق اجتهاد ساختاری بدست می‌آوریم.

در ساحت ولایت: غیر از ساحت فقهت که ساحت کشف احکام است به ساحت ولایت می‌رسیم که ساحتش، ساحت جعل حکم است. جعل حکم ولایی نیز به معنای نظام است نه یک تک حکم ولایی.

روش کشف مصلحت اسلام و مسلمین چیست؟

روش استنباط استنباطی و استنباطی جهت مقاصد و مصالح حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی.

روش اجتهاد پایشی برای کشف منافع و ضررهای فردی و نوعی.

روش اجتهاد ساختاری برای کشف عقلانیت اسلامی. حاکمی که می‌خواهد حکم دهد بایستی بتواند بر اساس

عقلانیت اسلامی حکم دهد که این کمکش می‌کند.